

مشاوره در مکتب اهل بیت (ع)

بخش دوم

پهنام حکمتی
کارشناس ارشد مشاوره

اشاره

در بخش پیشین گفته شد که هر جامعه نیازمند فنون و روش‌هایی است برگرفته از باورها، اعتقادات، فرهنگ و آداب و رسوم مردم خود تا بتواند به آن‌ها در جهت رشد و تعالی و خود شکوفایی کمک نموده و روابط بین فردی، مسائل عاطفی و مشکلات روحی و روانی‌شان را بهبود بخشد. بدون تردید فنون و تکنیک‌های مشاوره‌ای که برگرفته از قرآن، روایات و سیره عملی معصومین (ع) و بزرگان دین باشد سلامت روان جامعه امروز و فردای ما را تأمین خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: اصول مشاوره، اصول مشاوره در اسلام، نیت، فطرت، اسوه.

اصول مشاوره در اسلام

● **نیت:** یک اصل مهم و زیر بنایی در فرهنگ اسلام و مقدمه کلیه اعمال، اعم از عبادات و سایر اعمال فردی و اجتماعی، است. در اسلام هر عملی به شرطی ارزش پیدا می‌کند که با نیت «**قربة الی الله**» همراه باشد؛ یعنی نزدیک شدن به خدا به منظور انجام فرامین الهی انسان. مؤمن باید قبل از شروع هر عملی از اعمال خود آن را به نیت قرب الهی مزین کند؛ در این میان، فرایند مشاوره، اگر برای خدمت به بندگان خدا و رفع نیازها و حوائج ایشان انجام شود، جنبه عبادت به خود می‌گیرد و لذا می‌تواند شخص عامل (مشاور) را به قلبه رفیع عبودیت و بندگی برساند؛ در غیر این صورت کار وی ارزش و بهره‌ای برایش به همراه نخواهد داشت. از سوی دیگر وقتی نیت مشاور کار برای خدا باشد عمل او رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد و پیامد مشاوره نیز در جهت کمال معنوی و نیل مراجع به این مقام خواهد بود.

این امر زمانی به‌طور کامل درک خواهد شد که آن را با فرایند مشاوره در فرهنگ غربی، که بیشتر رنگ و بوی مادی دارد، مقایسه کنیم. در فرایند مشاوره غربی نشانی از نیت به چشم نمی‌خورد، بلکه نزدیک‌ترین واژه معادل آن، واژه انگیزه است که در مطلوب‌ترین شرایط، مشاور به انگیزه خدمت به هم‌نوع و ارضای گرایش انسان دوستانه خود به ارائه مشاوره به مراجعان می‌پردازد و نتیجه‌ای که این کار برای او (مشاور) به همراه خواهد داشت ارضای این انگیزه و خشنودی حاصل از خدمت به هم‌نوع و نشاط و شادابی ناشی از حل

مشکل مراجع (البته در صورت توفیق) در این رابطه خواهد بود. اگر چه به مصداق **ان الله لا یضیع اجر المحسنین** حتی اگر مشاور فقط به قصد کمک به هم‌نوع این خدمت را انجام دهد باز هم از اجر عمل نیکوی خود بی‌بهره نخواهد بود، لیکن اگر خدمت به هم‌نوع با نیت عبودیت و بندگی خداوند عالم صورت پذیرد اجر و مزدش نیز چندین برابر و مستمر خواهد بود؛ «مخصوصاً» زمانی که این خدمت اثری پایدار در زندگی مراجع به جای بگذارد حکم **صدقه جاریه** می‌یابد و تا آن اثر مثبت پا بر جاست اجرش نیز برای مؤثر آن (مشاور) چه در حیات و چه در ممات جاری و ساری خواهد بود. علاوه بر این در اعتقادات اسلامی، نیت، ضمانت‌کننده اجر معنوی مشاور است (**الاعمال بالنیات**) یعنی نیت کفایت نتیجه عمل تلقی می‌شود و وقتی فردی به نیت قرب الهی حرکت کند حتی اگر به دلایلی در انجام آن عمل یا حصول نتیجه مورد نظر به توفیق دست نیابد، ثواب آن عمل خوبی که نیت اجرای آن را داشته برایش ثبت خواهد شد.

امروزه در فرهنگ غربی، مشاوره به‌عنوان یک شغل مطرح است، و چون هزینه آن معمولاً زیاد و چشمگیر می‌باشد، اغلب به‌عنوان خدمتی لوکس تلقی می‌گردد که همه اقشار جامعه توان پرداخت هزینه آن را ندارند و به‌ویژه قشر کم‌درآمد از بهره‌گیری از این خدمت محروم هستند، در صورتی که بنا بر شواهدی که در سیره معصومین (ع) مشاهده می‌شود، خدمت مشاوره در زمره خدمات عام است و عموم مردم از هر طبقه و قشری و از هر میزان درآمدی باید از آن بهره‌مند شوند. حضرات معصومین (ع)، خود، برای خدماتی که به امت خود ارائه می‌داده‌اند اجر و مزدی دریافت نمی‌کرده‌اند،

چنان که قرآن نیز فرموده: **قل لا اسئلكم عليه اجراً** (بگو ای پیامبر من از شما اجر و مزدی برای پیامبری خود مطالبه نمی‌کنم) و حتی آنجا که می‌فرماید: **لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى**، منظور دریافت اجر و مزد در عوض خدمات پیامبری نبوده است چرا که مودت و محبت نسبت به اهل بیت (ع) به‌عنوان هادی و مشاور، موجب افزایش اعتماد و انگیزه درونی و کاربست توصیه‌های ایشان در زندگی خواهد شد.

● **هدف:** در دین اسلام هدف اصلی از پیامبری و امامت هدایت کردن بندگان به سوی کمال انسانی یا همان قرب الهی است. طریق هدایت نیز اخذ فرامین پروردگار و خالق جهانیان است که از دریچه وحی بر پیامبر نازل شده و در قرآن به‌صورت مکتوب برای انسان‌ها حفظ شده است. این هدایت متقن‌ترین و قابل اعتمادترین هدایت است، چنان که می‌فرماید **ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم**. و یا در جای دیگر: **ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين**.

این هدایت از جانب خداوندی است که خالق عالم و آدم است، خدایی که به رمز و راز خلقت آگاهی تام و کامل دارد و بهتر از هر کسی می‌داند که سرمنزل و مقصد و هدف خلقت بشر چیست و کجاست؟ پس سزاوارتر از او برای هدایت بشر وجود ندارد؛ اما او این هدایت را از طریق پیامبران خود و سپس از طریق اولیا و ائمه (ع) که جانشینان و ادامه‌دهندگان بر حق راه پیامبر (ص) هستند اعمال می‌کند. چنان که در این خصوص می‌فرماید: **و بعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يركيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة**. یعنی از میان آن‌ها (اقوام انسانی) پیامبری برایشان برانگیخت که آیات الهی را برای ایشان تلاوت کند و آن‌ها را مورد تزکیه (تربیت) قرار دهد و به ایشان دانش و حکمت الهی و قرآن بیاموزد. در فرهنگ اسلامی هدایت و راهنمایی بر دو نوع است؛ تکوینی و تشریحی.

۱. **هدایت تکوینی:** تکوین به معنی خلق و آفرینش است و هدایت تکوینی یعنی رسیدن هر چیزی که در عالم وجود دارد به سرمنزل مقصود و کمال نهایی خود، تحت امر الهی. مثلاً هدایت زنبور عسل در خانه‌سازی و عصاره‌گیری از گل‌ها و میوه‌ها و پیمودن راهی که آفریدگار برایش تعیین نموده و در نتیجه تولید عسل که غایت کمال آن می‌باشد از نوع هدایت تکوینی است. این نوع از هدایت را هدایت عامه و همگانی نیز می‌نامند.

۲. **هدایت تشریحی:** این نوع از هدایت تنها به انسان اختصاص دارد و به این معناست که خداوند متعال، برای رساندن بشر به سرمنزل مقصود که همان خلیفة الله شدن اوست، از هیچ گونه ارشاد و راهنمایی دریغ نورزیده است؛ به این صورت که ساده‌اندیشان را با تمثیل‌ها و مثال‌های زیبا، عامه‌مردم را به وسیله موعظه و نصیحت و متفکران و اندیشمندان را از راه آموختن حکمت یا از طریق جدال احسن به سوی خویش دعوت فرموده است.

امروزه در فرهنگ غربی، مشاوره به‌عنوان یک شغل مطرح است، و چون هزینه آن معمولاً زیاد و چشمگیر می‌باشد، اغلب به‌عنوان خدمتی لوکس تلقی می‌گردد که همه اقشار جامعه توان پرداخت هزینه آن را ندارند و به‌ویژه قشر کم‌درآمد از بهره‌گیری از این خدمت محروم هستند، در صورتی که بنابر شواهدی که در سیره معصومین (ع) مشاهده می‌شود، خدمت مشاوره در زمره خدمات عام است و عموم مردم از هر طبقه و قشری و از هر میزان در آمدی باید از آن بهره‌مند شوند

در این زمینه به پیامبرش - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «**ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن؛ مردم را با حکمت و موعظه نیکو و جدال احسن، به راه پروردگارت دعوت کن.**»

هدایت در انسان طی چهار مرحله صورت می‌پذیرد: **مرحله اول،** هدایت فطری است: مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «**ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين**» می‌نویسد: از این آیه به دست می‌آید که افراد متقی میان دو نوع هدایت قرار دارند: یکی هدایت اولیه‌ای که ایشان را به سوی صفت تقوی سوق می‌دهد و دیگر هدایتی که خداوند بعد از احراز مقام تقوا به آنان ارزانی می‌دارد؛ و از آنجا که هدایت دوم به وسیله قرآن است، ناچار هدایت اول باید پیش از قرآن و به وسیله امر دیگری (فطرت) باشد. این مرحله از هدایت شامل همه انسان‌ها می‌شود و اگر کسی فطرت توحیدی خود را، به سبب گناهانی مثل ظلم و فسق و کفر و... خاموش نکرده باشد، هدایت تشریحی قرآن کریم را خواهد پذیرفت.

مرحله دوم، هدایت تشریحی است: یعنی وقتی انسان با فطرت خدادادی‌اش به سوی قرآن کریم روی آورد می‌تواند به اوامر و نواهی آن پایبند شود.

آن چنان که رفتار و عمل مشاور می تواند بر روی مراجع تأثیرگذار باشد، گفتار صرف وی، هر چند شیوا و رسا باشد، قدرت تأثیرگذاری چندانی ندارد. بنابراین مشاور می موفق خواهد بود که گفتارش توأم با کردار و عمل باشد

پشیمانی در بازگشت به سمت خدا برای او ملکه شد، حالتی خاص به نام انابه پیدا می کند و آن گاه از فیض تکوینی ویژه ای برخوردار خواهد شد: «اللہ بختی الیہ من یشاء و یهدی الیہ من یشاء» بنیان و خمیرمایه خلقت انسان فطرت است که نقش هدایتگر درونی بشر به سوی کمال انسانی را ایفا می کند، چنان که می فرماید: **فطرة الله التي فطر الناس عليها.**

فطرت از ماده **فطر** در لغت به معنای شکافتن (حسینی زبیدی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ۳۲۵)، گشودن شی و ابراز آن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ۵۱۰)، ابتدا و اختراع (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ۷۸۱) شکافتن از طول و ایجاد و ابداع (راغب اصفهانی، ۳۹۶) آمده است. از آنجا که آفرینش و خلقت الهی به منزله شکافتن پرده تاریک عدم و اظهار امکانی است، یکی از معانی کلمه فطرت، آفرینش و خلقت است، البته آفرینشی که ابداعی و ابتدایی باشد. ابن اثیر به مناسبت حدیث معروف «کل مولود یولد علی الفطرة...» کلمه فطر را «ابتدا و اختراع، یعنی خلقت ابتدایی» معنا کرده است.

کلمه فطرت در لغت به معنای سرشت و نحوه خاصی از آفرینش است. در قرآن کریم مشتقات کلمه «فطر» به صورت های گوناگون به کار رفته ولی کلمه فطرت تنها یک بار در آیه ۲۰ سوره روم به کار رفته است و منظور از آن سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است. امور فطری نیز اموری هستند که نوع خلقت و آفرینش انسان اقتضای آن را داشته و مشترک بین همه انسان ها باشد.

خاصیت امور فطری آن است که اولاً مقتضای آفرینش انسان هستند، و اکتسابی نمی باشند. ثانیاً فطرت در عموم افراد وجود دارد و ثالثاً، تبدیل پذیر یا تحویل پذیر نیست، گرچه شدت و ضعف می پذیرد. فطرت در آثار استاد مطهری به دو معنای خاص و عام به کار می رود. فطرت به معنای خاص، که در قرآن کریم نیز به کار رفته، همان فطرت توحیدی و الهی انسان (فطرت دینی) است و عبارت است از توانایی ذاتی و سرشتی انسان در شناخت و گرایش به الله؛ اما فطرت به معنای عام، که استاد مطهری با تحلیلی فلسفی به آن رسیده، عبارت است از مجموعه ویژگی های سرشتی نوع انسان که بالقوه در او وجود دارند. این استعدادها و توانایی های سرشتی که فصل ممیز انسان از دیگر موجودات اند، استعدادهایی چون حقیقت جویی و خلاقیت را در بر می گیرند.

ابعاد فطرت

فطرت ادراکی: در بحث فطرت ادراکی ادعا می شود که انسان افزون بر دیگر ادراکاتش، گونه ای دیگر از علم و شناخت را دارد که از آن به ادراکات فطری یاد می شود. مراد از این ادراک فطری چیست؟

مرحله سوم، هدایتی است که در آن، انسان با پایبندی به دستورهای قرآن کریم، به صفت «تقوا» متصف شود. تقوا یک امر وجودی و تکوینی و مترتب بر هدایت تشریحی قرآن کریم است. اگر کسی به این مرحله برسد خداوند مراحل بالاتر از هدایت را به او عنایت می فرماید: «... و من یومن باللہ یهد قلبه واللہ بکل شیء علیم...» و کسی که به خدا بگردد، خدا دلش را به راه آورد و خدا [ست که] به هر چیزی داناست. و باز می فرماید: «و یزید للہ الذین اهدوا هدی...» و خداوند کسانی را که هدایت یافته اند برهدایتشان می افزاید.

مرحله چهارم، این مرحله از هدایت الهی ویژه تأئین یا توأین، یعنی توبه کنندگان است. چنان که می فرماید: «... و یهدی الیہ من اناب» و هر کس را که [به سوی او] بازگردد، به سوی خود راه می نماید، کسی که چند نوبت به سوی خدا بازگشته و این

چه نوع معلومات و شناخت‌هایی را فطری می‌گویند و اساساً فطری در اینجا به چه معناست؟

معنای فطرت ادراکی

فطرت ادراکی یا ادراک فطری در چهار معنا به شرح زیر کاربرد دارد:

- ادراکات عمومی: ادراکاتی که همه افراد بشر به گونه یکسان واجد آن‌ها هستند؛ ادراکاتی چون اعتقاد به جهان خارج از ذهن که حتی سوفسطایی‌ها نیز اگر چه به ظاهر منکر آن‌اند، در حاق ذهنشان به آن باور دارند؛

- ادراکات بالقوه: ادراکاتی که ذهن بشر به گونه بالقوه واجد آن‌هاست؛ مانند معلوماتی که نفس به آن‌ها علم حضوری دارد، ولی هنوز آن‌ها را از طریق علم حصولی دریافت نکرده است. این معلومات حضوری بعدها در شرایطی ویژه به علم حصولی تبدیل می‌شوند. ملاصدرا فطری بودن معرفت به ذات خدا را از این جنس می‌داند؛

- ادراک فطری باب برهان منطق: در منطق، به قضایایی که برهان‌شان همواره همراه آن‌هاست، فطریات گفته می‌شود؛
- ادراک ذاتی عقل: ادراکاتی که ذاتی عقل باشد و عقل آن‌ها را به گونه بالفعل در خود ذخیره داشته باشد.

استاد مطهری از میان معانی یاد شده، معنای اول را مراد ادراکات فطری می‌داند: «در عین اینکه تصورات ذاتی عقل (فطری به معنای چهارم) مورد انکار قرار گرفته است تصورات و تصدیقات عمومی و یکسان برای همه بشر (فطری به معنای اول) اثبات شده و راه آن نیز بیان گردیده است.» گفتنی است که پس از بحث در باب ادراکات تصویری و تصدیقی، معنای فطری بودن ادراک فطری وضوح بیشتری خواهد یافت.

اقسام ادراک‌های فطری

علم و شناخت فطری را می‌توان به دو قسم تصورات فطری و تصدیقات فطری تقسیم کرد. منظور از تصور فطری، صورتی است از شئی که بدون فراگیری و اکتساب (صور مقدم بر حس) نزد ذهن حاضر است و منظور از تصدیق فطری (تصدیق مقدم بر تجربه) نسبتی است که ذهن میان صور ذهنی (صور حاصل از حس) برقرار می‌کند. در احادیث اسلامی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) روایت شده و مورد توجه قرار گرفته است، حدیث نبوی معروف «کل مولود یولد علی الفطره...» را می‌یابیم. در احادیث ائمه اهل بیت (ع)، نیز با این سخن امام علی (ع) در نهج البلاغه مواجه می‌شویم که درباره فلسفه رسالت پیامبران الهی فرمود: «لیستأدوهم میثاق فطرته؛» یعنی از آنان خواست تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند. در این سخن، آن حضرت از تجدید میثاق فطری و برانگیختن عقول آدمیان به عنوان دو رسالت پیامبران یاد کرده است. حضرت ابراهیم (ع) گرایش توحیدی خود را بر پایه فاطریت عام الهی تبیین کرده است و می‌فرماید:

«انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض...» (انعام/ ۷۹)
من به سوی آن کس گرایش دارم که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است.

تلاش مشاور باید بر این موضوع قرار گیرد که به مراجع کمک کند تا وی بتواند موانع رجوع به فطرتش را برطرف کند و به اصالت فطری خود بازگردد و فطرت، دستگامی است که تنظیمات روانی، عاطفی و روانی بشر را به حالت طبیعی و سلامت باز می‌گرداند

در برخی از احادیث که از عترت پیامبر اکرم (ص) روایت شده، فطرت به معرفت تفسیر شده است. چنان که از امام باقر (ع) روایت شده که «کل مولود یولد علی الفطره» فرموده است: «یعنی علی المعرفه بان الله عزوجل خالقه» یعنی معرفت به اینکه خداوند آفریدگار انسان است در فطرت هر انسانی نهفته است.

آنگاه امام (ع) به آیه «ولئن سألتهم من خلق السموات و الارض ليقولن الله» استشهاد نمود. مفاد این آیه این است که اگر از مشرکان و منکران رسالت پیامبر اکرم (ص) سؤال شود که: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ به آفریدگاری خداوند و اینکه او آفریدگار جهان است اقرار خواهند کرد. گر چه مقصود اول آیه یاد شده، اذعان و اقرار به آفریدگاری خداوند است، ولی روشن است که اذعان و اقرار، مستلزم نوعی معرفت و شناخت نسبت به چیزی است که مورد تصدیق و اقرار قرار گرفته است. مطلب یاد شده (تفسیر فطرت به معرفت) در چند حدیث دیگر نیز وارد شده است، که در برخی از آن‌ها معرفت به صورت مطلق ذکر شده و در برخی دیگر، به خالقیت یا ربوبیت اضافه شده است. یعنی معرفت به توحید در خالقیت و ربوبیت، معرفتی است فطری که از درون انسان سرچشمه می‌گیرد. در حدیثی آمده است که در شب معراج، پس از آنکه پیامبر اکرم (ص) به مسجدالاقصی وارد شد و دو رکعت نماز به جای آورد و از مسجد بیرون رفت، جبرئیل با دو ظرف نوشیدنی، که یکی شراب بود و دیگری شیر، نزد پیامبر (ص) آمد. پیامبر، ظرف شیر را برگزید. آنگاه جبرئیل به او گفت: «اخترت الفطره...» تو چیزی را که مطابق فطرت (یا رمز فطرت) است انتخاب کردی.

گرایش‌های فطری: انسان، در عمق ذاتش، در جست‌وجوی رسیدن به کمال مطلق است و به هر درجه‌ای از کمال که برسد آرام نمی‌گیرد. وقتی که جاذبه کمال مطلق همیشه انسان را به سوی خودش بکشاند، قهراً نقطه مقابلش فرار از نقص است؛ مثل دو سر عقربه مغناطیس که وقتی یک‌سر آن به یک طرف کشیده می‌شود، قهراً سر دیگر هم به نقطه مقابل کشیده می‌شود، اگر انسان به دنبال اموری می‌رود، به خاطر این است که در آن‌ها کمالی می‌یابد و اگر از چیزی فرار می‌کند، بدان سبب است که در آن نقص مشاهده می‌کند.

امور فطری امکان رشد دارند؛ یعنی اموری بالقوه‌اند که اگر از

مولای متقیان حضرت علی (ع) در خطبه ۱۷۴ نهج البلاغه می فرماید: ای مردم! به خدا سوگند، شما را به طاعتی ترغیب نمی کنم مگر آنکه به آن از شما پیشی می گیرم و شما را از معصیتی منع نمی کنم مگر آنکه خود پیش از شما از آن باز می ایستم

شرایط و عوامل درونی و بیرونی مناسب بهره جویند شکوفا می شوند و به فعلیت می رسند.

فطرت (دینی) هیچ گاه منحرف و مسخ نمی شود؛ بلکه این انسان است که از فطرت خود منحرف یا مسخ می شود. آدمی وقتی رفتاری را انجام می دهد که با فطرتش مخالف است، رفته رفته از فطرتش منحرف می شود و اگر بر این مسیر لجابت و اصرار بورزد، مسخ می شود. در چنین صورتی فطرت از بین نرفته؛ بلکه فراموش شده و فعلیت نیافته است.

بنابراین می توان از فطرت به عنوان اصلی اختصاصی در نظام راهنمایی و مشاوره ای اسلام یاد کرد که یکی از اهداف این نظام را از بین بردن موانع و پرده های کشیده شده بر روی امور فطری، یا به عبارت بهتر اموری که دارای ارزش انسانی و الهی است، دانست. به عبارتی دیگر می توان این گونه بیان داشت که مشکلات و آسیب های رفتاری و روانی، انحراف از فطرت است، لذا تلاش مشاور باید بر این موضوع قرار گیرد که به مراجع کمک کند تا وی بتواند موانع رجوع به فطرتش را برطرف کند و به اصالت فطری خود بازگردد.

از سوی دیگر می توان از فطرت به عنوان ابزار و وسیله ای در مواجهه با انحرافات و بیماری های روانی و رفتاری استفاده نمود؛ یعنی با برانگیختن انگیزه های فطری مراجع، وی را به وضعیت طبیعی و سلامت روان فطری اش بازگرداند.

فطرت دستگاهی است که تنظیمات روانی، عاطفی و رفتاری بشر را به حالت طبیعی و سلامت باز می گرداند و وظیفه دستگاه تنظیم اولیه را به عهده دارد. با چنین فرضی می توان ادعا کرد که این ویژگی منحصر به فرد نظام راهنمایی و مشاوره اسلامی، نقشی اساسی و کلیدی در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به مراجعان در این نظام بازی می کند و به نوعی شالوده راهنمایی و مشاوره اسلامی بر آن بنیان نهاده شده است.

● **اسوه:** یکی دیگر از اصول مخصوص نظام راهنمایی و مشاوره ای اسلام اسوه یا الگوی عملی است چنان که قرآن می فرماید: **ولقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه؛** یعنی همانا رسول الله (ص) برای شما سر مشق و الگوی نیکی و نیکویی است. در نظام راهنمایی و مشاوره اسلام، هادی و مشاور، قبل از هر چیز، باید الگوی عملی چیزی باشد که دیگری را به آن هدایت می کند، به گونه ای که دیگری (مراجع) بتواند آنچه را بدان نایل خواهد شد

به وضوح و شفافیت در وجود مشاور و راهنما مشاهده کند و این خود مشوق بسیار قوی برای عمل به توصیه های راهنما و مشاور خواهد بود. در این خصوص آیات و روایات متعددی در قرآن و سیره معصومین وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

مولای متقیان حضرت علی (ع) در خطبه ۱۷۴ نهج البلاغه می فرماید: ای مردم! به خدا سوگند، شما را به طاعتی ترغیب نمی کنم مگر آنکه به آن از شما پیشی می گیرم و شما را از معصیتی منع نمی کنم مگر آنکه خود پیش از شما از آن باز می ایستم.

این سخن مولارادر رفتار و عملکرد ایشان نیز به کرات می بینیم؛ از جمله روایت شده است که مادری کودک خود را که در خوردن خرما زیاده روی می کرد به خدمت حضرت آورد او را نصیحت کند. لیکن ایشان این امر را به روز بعد موکول کرد وقتی مادر علت را جویا شد، حضرت فرمود: من خود امروز خرما خورده بودم، نمی توانستم این کودک را از کاری که خودم کرده بودم منع کنم.

رطب خورده منع رطب چون کند؟

امام علی (ع) در معرفی الگوی کاملی از انسانیت، یکی از یاران خود را مصداق می گیرد و چنین می فرماید:

در گذشته برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدار بود؛ چون دنیا در چشم او بی ارزش می نمود و از شکم بارگی دور بود. آنچه را نمی یافت آرزو نمی کرد و در آنچه می یافت زیاده روی نداشت. به ظاهر ناتوان و مستضعف می نمود؛ اما در برخورد جدی مثل شیر می خروشد.

به آنچه عمل می کرد اقرار می نمود و درباره آنچه عمل نمی کرد چیزی نمی گفت. اگر بر سر دو راهی در کاری قرار می گرفت، می اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک تر است با آن مخالفت می کرد.

پس بر شما باد روی آوردن به این گونه ارزش های اخلاقی؛ با یکدیگر در کسب آن ها رقابت کنید و اگر نتوانستید بدانید که به دست آوردن برخی از آن ها بهتر از رها کردن همه آن ها است. (نهج البلاغه حکمت ۲۸۹) و هم ایشان می فرمایند: کسانی که خود را پیشوای مردم قرار می دهند باید قبل از آنکه به مردم آموزش دهند، خود را آموزش دهند و باید مردم را با اعمالشان به رعایت آداب الهی دعوت کنند پیش از آنکه با زبانشان دعوت کنند. (بحارالانوار ج ۲ ص ۵۶)

همچنین پیشوای ششم، حضرت امام جعفر صادق (ع)، فرمودند: **کونوا دعاة الناس بغير السننکم** یعنی مردم را به چیزی غیر از زبان (با اعمال و رفتارشان) به اسلام دعوت و راهنمایی کنید. آنچنان که رفتار و عمل مشاور می تواند بر روی مراجع تأثیرگذار باشد، گفتار صرف وی، هر چند شیوا و رسا باشد، قدرت تأثیرگذاری چندانی ندارد. بنابراین مشاور می موفق خواهد بود که گفتارش توأم با کردار و عمل باشد.

ان شاء الله در فصل بعد به فنون و تکنیک هایی که در فرهنگ اسلام وجود دارد و می تواند در راهنمایی و مشاوره مبتنی بر فرهنگ اسلامی مورد استفاده قرار گیرد خواهیم پرداخت.

ادامه دارد.....